

بررسی مستندات روایی ماده ۹۴۶ قانون مدنی

در خصوص میراث زوجه

دکتر محمدعلی خیراللهی*

چکیده:

انگونه که در ماده ۹۴۶ قانون مدنی آمده است و مشهور میان اخبار اهل بیت می‌باشد، این است که زوجه فی‌الجمله از اموری محروم می‌باشد. ولیکن اختلاف روایی موجب اختلاف اقوال فقهاء متقدم و متأخر شده است در روایتی زراره از امام باقر(ع) روایت می‌کند که زوجه از آنچه که زوج به ارث گذاشت از قریه و خانه و سلاح و چهار پایان به ارث نمی‌برد و تنها از مال و فرش و لباس و مطاع خانه می‌تواند سهمی به عنوان ارث دریافت کند. محقق اردبیلی عنوان می‌کند: این روایت نقص بیشتری نسبت به روایات دیگر بر زوجه وارد نموده و ما در میان فقهاء قائلی نداریم که زوجه از سلاح و چهار پایان و مانند آن محروم شود و در روایتی موافق آمده است: این ابی‌عمیر از عمر بن اذینه نقل می‌کند که زنان در صورتی که فرزند داشته باشند از زمین ارث می‌برند. این روایت یکی از بحث‌انگیزترین روایاتی است که می‌تواند در باب میراث وجود داشته باشد. محقق خوانساری روایت فوق را فتوای ابن اذینه می‌داند. البته خود ایشان از این ابهام پاسخ می‌دهند که بعید است روایاتی که از ابن اذینه سؤال نموده‌اند، فتوای او را خواسته باشند.

کلید واژه‌ها: روایات، نقد و بررسی، محرومیت، ارث، اثبات.

* استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

M0911125032@gmail.com

مقدمه:

به نام حقیقت هستی و درود بر رسول آخرین و خاندان پاکش. اصل در مباحث ارث اینگونه می‌باشد که هر وارثی از تمام ما ترک، سهم خود را به ارث برد ولیکن آنچه که از اهل بیت (ع) به ما رسیده است، تخلف از این قانون کلی در دو موضع می‌باشد. اول میراث حبوه برای پسر بزرگ متوفی و دوم زوجه که مشهور میان اخبار اهل بیت این است که زوجه فی‌الجمله از اموری محروم می‌باشد. ولیکن در عین حال روایات در این زمینه مختلف است که این اختلاف روایی موجب اختلاف اقوال فقهاء متقدم و متأخر شده است. در خصوص موارد محرومیت میان فقهاء نظریات گوناگونی ابراز شده است:

الف: مشهور عنوان می‌کنند که زوجه از زمین محروم می‌شود چه این زمین بیاض باشد یعنی کشت وزرعی در آن صورت نگرفته و یا زمین بوسیلهٔ درخت و زراعت و بناء مشغول بوده باشد. بر اساس این نظریه زوجه از مطلق عرصه ارث نمی‌برد.

ب: دستهٔ دیگر از فقهاء زوجه را تنها از رباع محروم می‌نمایند یعنی زمینی که خانه و سکنای زوج در آن بوده باشد، اما باغ و بستان و زمین‌های مزروعی مورد ارث زوجه قرار می‌گیرند. بر اساسی این نظریه قیمت آلات و ابنیه و خانه به زوجه پرداخت می‌شود.

ج: دستهٔ از فقیهان تنها زوجه را از عین رباع محروم می‌نمایند و لذا قیمت زمین را به حسب سهم‌الارث به او پرداخت می‌نمایند. در ماده ۹۴۶ قانون مدنی نیز عنوان شده است: زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد ولیکن زوجه از اموال ذیل: ۱- از اموال منقوله از هر قبیل که باشد ۲- از ابنیه و اشجار.

بررسی این موضوع رساله‌ای مستقل را می‌طلبد ولی در این مقاله سعی شده است با اشاره به روایات وارده که در واقع مستندات روایی این ماده محسوب می‌شوند و نقد و بررسی این روایات نتیجه‌گیری از این مسئله از منظر اخبار صورت پذیرد. محدث متبوع شیخ حر عاملی در وسایل‌الشیعه هفده روایت که ظاهراً بر منع زوجه از میراث از زمین دلالت دارند را مطرح نموده است که فقهاء نیز به این روایات استدلال نموده‌اند و ما این روایات را عیناً ذکر می‌نماییم. (۱)

اول - روایات مخالف ارث زوجه از زمین

۱ - **خبر زراره از امام باقر(ع):** زراره از امام باقر (ع) روایت می‌کند که زوجه از آنچه که زوج به ارث گذاشت از قریه و خانه و سلاح و چهار پایان به ارث نمی‌برد و تنها از مال و فرش و لباس و مطاع خانه می‌تواند سهمی به عنوان ارث دریافت کند و نیز مصالح ساختمان، درب‌ها و چوب قیمت‌گذاری شده و حق زوجه از قیمت داده می‌شود. (۲)

محقق اردبیلی عنوان می‌کند: این روایت نقص بیشتری نسبت به روایات دیگر بر زوجه وارد نموده و ما در میان فقهاء قائلی نداریم که زوجه از سلاح و چهار پایان و مانند آن محروم شود. در هر صورت استدلال به این روایت خالی از اشکال نیست. (الاردبیلی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ۴۴۶) از لحاظ سلسله سند، در این حدیث نام سهل بن زیاد دیده می‌شود و او ضعیف در حدیث بوده و قابل اعتماد نمی‌باشد و احمد بن محمد بر او به لغو و کذب شهادت داده است. (همان، ج ۱، ۳۹۳) علامه حلی در شرح این روایت عنوان می‌نماید: بدلیل تفصیلی که در غیر این روایت از روایات دیگر آمده است، زوجه از نفس زمین ارث نمی‌برد بلکه قیمت زمین به او پرداخت می‌شود. (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۹، ۳۸۰)

۲ - **خبر محمد بن مسلم از امام صادق(ع):** امام صادق (ع) فرمایند: زن از اجر (مصالح ساختمان و ابنیه) ارث می‌برد و از زمین ارثی به او تعلق نمی‌گیرد. پرسیدم چگونه از فرع ارث می‌برد و از اصل زمین ارث نمی‌برد؟ امام در پاسخ فرمودند: زن از سوی مرد دارای نسب نیست تا بدان واسطه ارثی ببرد، بلکه زن دخیل بر مرد بوده و لذا تنها از فرع ارث می‌برد. (۳) محقق اردبیلی این روایت را از طریق کافی صحیحه می‌داند ولیکن از طریق تهذیب و استبصار غیر صحیح. ایشان همچنین می‌فرمایند که این روایت تنها از رباع که زمین خانه سرا باشد زوجه را محروم میکند و نسبت به بقیه ما ترک منعی ندارد. (محقق اردبیلی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ۴۴۶) - ابن ادریس حلی، (۱۴۱۰، ج ۳، ۲۵۸) ابن فهد حلی این روایت را دال بر نفی وراثت از رباع می‌داند نه غیر آن و عنوان می‌کند مابقی ما ترک زوج بر اصل خود باقی مانده و عموم قرآن شامل آن می‌شود. (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ج ۴، ۴۰۴) شهید ثانی این روایت را به ضعف سند متهم نموده و عنوان می‌کند که

این روایت فقط منع از رباع را بیان کرده و لیکن به ملازاد از آن که از چه چیزهایی ارث می‌برد توجه نداشتند و بصورت نفی واثبات بیان نکرده است. (الشهید الثانی، ۱۴۱۵، ج ۱۳، ۱۸۸)

۳ - **خبر میسر بیاع از امام صادق (ع):** میسر بیاع از امام صادق (ع) سؤال نمودند در خصوص زنان که میراث آنها چه مقدار می‌باشد امام در پاسخ فرمودند: که آنها قیمت مصالح ساختمانی مانند خشت و چوب را دریافت می‌کنند اما از زمین و عقار میراثی برای آنها نیست. گفت: پرسیدم برای دختران چگونه است؟ فرمود: دختران سهم خود را می‌برند. گفتم: چگونه میان زن و دختر تفاوت است؟ فرمود: زن از سوی مرد دارای نسب نیست تا بدان واسطه ارثی ببرد، بلکه زن دخیل بر مرد بوده و از سوئی دیگر زن همواره در معرض ازدواج است که در این صورت شوهر و فرزندان قوم دیگر در زمین شوی اول آمد و شد کنند که به مذاق آن خاندان خوش نمی‌آید. (۴) برخی از فقیهان در سند این روایت علی بن حکم را مورد دقت قرار داده و حکم ظاهری بر توثیق او می‌نموده ولیکن وضعیت میسر را غیر معلوم می‌دانند. (اردبیلی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ۴۴۹)

برخی دیگر از اضطراب در متن این روایت سخن گفته و اینکه یک بار گفته شده زن خانه چیزی به ارث نمی‌برد و بار دیگر از مصالح ساختمان برای زن ارث در نظر می‌گیرد. و همچنین این روایت به اجمال متهم شده است. (الصفای، ۱۴۰۵، ج ۱، ۲۳۹) و ممکن است در این روایت ادعای اجمال نماییم زیرا احتمال اینکه ألف ولام در الأرض و العقارات برای عهد باشند وجود دارد و این احتمال بعید نیست خصوصاً بعد از ذکر (عقار الدور و أرض) در بعضی از روایات و عقار بر اساس آنچه که استفاده می‌شود از کلام بعضی اهل لئنه اطلاق بر هر شیء که دارای اصل باشد بنابراین شامل زمین خالی از بنا و شجر و مانند آنها نمی‌شود. (همان، ج ۱، ۲۴۱)

۴ - **خبر محمد بن مسلم از ابی جعفر (علیه السلام):** محمد بن مسلم، عن ابی جعفر (علیه السلام) نقل می‌کند: زنان از زمین و عقار چیزی به ارث نمی‌برند. (۵) محقق اردبیلی می‌گوید: این روایت نیز صریح در منع زوجه از قیمت در زمین است نه قیمت. (اردبیلی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ۴۴۷) علامه در مختلف از این روایت به صحیح نام برده است که محل تأمل می‌باشد زیرا محمد بن حمران میان محمد بن حمران نهی که ثقة می‌باشد و محمد بن حمران



مولی بنی فهر که مجهول بوده و محمد حمران بن اعین که از او سخن و طعن گفته‌اند مشترک می‌باشد. (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۹، ۳۸)

۵ - خبر روایت خمسه از ابی جعفر (علیه السلام): روایت خمسه از ابی جعفر و ابی

عبد الله علیهما السلام نقل می‌کنند: زن از مایه زوج خویش از خانه یا زمین چیزی به ارث نمی‌برد. الا این که از قیمت مصالح ساختمانی سهم او را می‌دهند. (۶) محقق اردبیلی بعد از توصیف این روایت به حسنه عنوان می‌کند که این روایت صریح در منع زوجه از کل زمین و عقار نیست بلکه فقط از زمین خانه او را محروم کرده است و کلمه (او ارض) احتمال دارد که تردد از سوی راوی باشد. و این روایت نیز صریح در منع از قیمت از اراضی نیست. (الأردبیلی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ۴۴۷)

۶ - خبر محمد بن مسلم و زراره از ابی جعفر (علیه السلام): زراره از ابی جعفر

(علیه السلام) نقل نموده اند: زنان از زمین و عقار چیزی به ارث نمی‌برند. (۷)

۷ - خبر زراره و محمد بن مسلم از ابی عبد الله (علیه السلام): محمد بن مسلم از

ابی عبد الله (علیه السلام) نقل نموده: زن از مایه زوج خویش از خانه یا زمین چیزی به ارث نمی‌برد. الا این که از قیمت مصالح ساختمانی سهم او را می‌دهند. و فرمود: چنین شد تا زنان با ازدواج میراث اهل ارث را فاسد نمایند. (۸) در توضیح روایت گفته شده است: ظاهر این است که امام در مقام بیان آنچه که زوجه از آن محروم است می‌باشد و غیر از عقار و رباع شیئی دیگری ذکر نکرد. می‌توان گفت برای زن می‌تواند قیمت ساختمان باشد و نیز فهمیده می‌شود حرمان زوجه بر اراضی خانه و مسکن بوه و شامل باغ و بستان نمی‌شود. (الصافی، ۱۴۰۵، ج ۱، ۲۴۰)

۸ - خبر یزید الصائغ از ابی عبد الله علیه السلام: از امام صادق (ع) در مورد زنان

سؤال نمودم که آیا از زمین ارث می‌برند؟ امام فرمود: خیر ولیکن از قیمت بناء ارث می‌برند. به امام عرض کردم مردم بدین حکم راضی نمی‌شوند. امام فرمود: در این هنگام به آنها دستور می‌دهیم و در صورت عدم پذیرش با شلاق تفهیم می‌کنیم و در صورت عدم پذیرش با شمشیر حکم را اجراء می‌کنیم. (۹) شهید ثانی این روایت را به عدم صحت سند متهم نموده و آن را در غایت ضعف ذکر می‌کند و همچنین عنوان می‌کند که این روایت فقط منع از رباع را بیان کرده و به مازاد از آن که



از چه چیزهایی ارث می‌برند چه بصورت نفی و چه بصورت اثبات اشاره‌ای ندارد. (الشهید الثانی، ۱۴۱۵، ج ۱۳، ۱۸۸) و نیز گفته شده است: ظاهر این است که این حدیث و حدیث سابق واحد بوده و تنها کلمه (رباع) از آن ساقط شده است مضافاً اینکه امکان دارد ألف ولام در أرض برای عهد باشد به دلیل قول امام: (ولکن یرثن قیمه البناء). (الصافی، ۱۴۰۵، ج ۱، ۲۴۰)

۹- خبر حماد بن عثمان از ابي عبد الله (عليه السلام): حماد بن عثمان از ابي عبد الله (عليه السلام) برای زن از قیمت مصالح ساختمانی سهم او را می‌دهند و چنین شد تا زنان با ازدواج، میراث اهل ارث را فاسد نمایند. (۱۰) در شرح گفته شده است: تعلیل ائمه علیهم السلام و اصحاب به اینکه اگر زن ارث از رباع یعنی خانه و مسکن ببرد به اضرار اقرباء میت منتهی می‌گردد، شما می‌دانید این حکمت مقتضی حرمان از عین این امور است نه قیمت آن. (آردبیلی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ۴۵۰)

۱۰- خبر عبد الملك بن أعین، از صادقین (عليهما السلام): امام صادق و باقر (ع) فرمودند: زن از ماترک زوج خویش از خانه یا زمین چیزی به ارث نمی‌برد. (۱۱)

۱۱- خبر یزید الصائغ از ابا جعفر (عليه السلام): یزید الصائغ از ابا جعفر (عليه السلام) نقل می‌کند: از امام باقر (ع) شنیدم که در مورد زنان فرمود: آنان از زمین ارث نمی‌برند ولیکن از قیمت بناء ارث به آنان می‌رسد. به امام عرض کردم مردم بدین حکم راضی نمی‌شوند. امام فرمود: در این هنگام به آنها دستور می‌دهیم و در صورت عدم پذیرش با شلاق تفهیم می‌کنیم و در صورت عدم پذیرش باشمشیر حکم را اجراء می‌کنیم. (۱۲)

۱۲- خبر زرارة از ابي جعفر عليه السلام: امام باقر (ع) فرمودند: زن از ماترک همسر زوج خود از سرزمین و خانه و سلاح و چهارپا و مانند آن ارث نمی‌برد ولیکن از اموال و بردگان و لباس و اثاث خانه به زن ارث می‌رسد. (۱۳) شهید ثانی در شرح روایت گوید: آنچه که در این روایت از ذکر سلاح آمده است به وسیله اجماع مورد نفی قرار گرفته است. (الشهید الثانی، ۱۴۱۵، ج ۱۳، ۱۸۶) **۱۳- خبر محمد بن مسلم و زرارة از ابي جعفر (عليه**

السلام امام باقر (ع) فرمودند: زنان از خانه و ملک چیزی به ارث نمی‌برند مگر اینکه بنایی در آن احداث شده باشد که زن از آن بنا ارث می‌برد. (۱۴)

۱۴ - خبر محمد بن سنان از امام رضا (علیه السلام): امام رضا (ع) در پاسخ مسائلی که از ایشان شده بود در اینکه چرا زن از زمین ارث نمی‌برد جز در صورتی که در آن بنایی احداث شده باشد و تنها از قیمت آن بنا ارث می‌برند؟ فرمودند: زمین هیچ‌گاه قابل تغییر و تبدل نیست ولیکن زن همواره در معرض تغییر و ازدواج است و بستگان نسبی چون فرزندان و والدین ثابت بوده و در معرض تغییر نیستند و لذا آنچه که ثابت و پایدار است به افرادی که ثابت هستند می‌رسد و بنای خانه که در معرض زوال است به آنکه در حال تغییر است می‌رسد. (۱۵)

۱۵ - خبر بکیر از ابي جعفر (عليه السلام): امام باقر (ع) فرمودند: زنان از خانه و ملک چیزی به ارث نمی‌برند مگر اینکه بنایی در آن احداث شده باشد که زن از قیمت آن بنا و مصالح ارث می‌برد. (۱۶)

۱۶ - خبر احوال از ابي عبد الله (عليه السلام): اما صادق (ع) فرمودند: زنان از ملک و عقار چیزی به ارث نمی‌برند و برای آنان قیمت بناء و درخت و نخل می‌باشد. (۱۷)

۱۷ - خبر عبد الملك از ابو جعفر (عليه السلام): عبد الملك روایت کند که امام باقر (ع) درخواست نوشته‌ی علی (ع) نمود که جعفر آن را آورد که در آن نوشته شده بود زنان از ملک و عقار چیزی به ارث نمی‌برند و سپس امام فرمود: این به خدا خط علی (ع) است که پیامبر آن را املاء نمود. (۱۸)

نظریه‌ای در تفسیر محرومیت زوجه از ارث به عصر صدر اسلام: یکی از موافقین میراث زوجه نکات زیبایی نیز مطرح نموده است و به دلیل با اهمیت بودن مطالب ایشان، ما به صورت کامل آن را ذکر می‌نماییم که صاحب جواهر نیز به همین دلیل تمام متن او را ذکر کرده است: از اهل بیت (ع) مطالبی وارد شده است که ندیدیم کسی آن را تفسیر کند، لذا بر بسیاری از مردم بدان خاطر شبهاتی وارد شده است که ما مناسب دیدیم معانی این کلمات را واضح نماییم. اگرچه ما در این کتاب بنای بر ایضاح مشکل و مانند آن نداشته‌ایم ولیکن با توجه به



اینکه ظاهر این مسائل با کتاب و سنت و اجماع مخالف است، بدان پرداخته‌ایم. از جمله مسایل این است که از امام صادق (ع) و امام باقر (ع) روایت شده است که زنان از زمین ارث نمی‌برند و تنها از قیمت منقولات به آنها داده می‌شود و این از مواردی است که اگر بر اساس ظاهر به آن حکم شود، مخالف کتاب، سنت و اجماع می‌باشد. در واقع این احادیث تأویل دارند و آن زمین‌های مفتوحه عنوه-گشایش یافته بواسطه جنگ - می‌باشند. زیرا این زمین‌ها در ازاء جهاد رزمندگانی که این زمین‌ها را از دست کفار آزاد کرده بودند، به آنها داده می‌شد و برای مسلمان‌ها در مقابل کفار و مشرکین تقویت محسوب می‌گردید. امامان این زمین‌ها را برای مردان در نظر گرفتند تا با ملکیت مردان بر زمین‌های مفتوحه موجب قدرت و شوکت برای رزمندگان شود. نوع دیگر زمین‌های وقفی است که زنان در آن بهره‌ای نداشته و تنها در قیمت منقولات در این زمین‌ها بهره و حقی برای زنان است و لیکن در غیر این دو صورت که زمین‌ها ملکی افراد بوده باشد، زنان از این زمین‌ها از این زمین‌ها نصیب خود را دارند کما اینکه خداوند در قرآن بدان تصریح فرموده است و این از مسائلی است که غیر از آن سخن دیگری درست نیست. (نعمانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۳۹۶)

دوم. روایات موافق: موافقین عموماً دو روایت در اثبات دیدگاه خویش بیان می‌کنند که این دو خبر بعنوان مخصص روایات سابق محسوب می‌گردد. حضرت آیت الله العظمی تبریزی در درس‌های خارج فقه خود از قول اساتید بزرگ خویش در نجف چون آقای خویی نقل می‌فرمودند که صاحب وسایل الشیعه دیدگاه‌های خود نسبت به روایات و فتاوی‌ای فقهی خویش را در سر فصل هر باب ذکر نموده است و در واقع عناوینی که ایشان بیان می‌فرمایند، همان نظرات ایشان است مانند همین بحث که ایشان عنوان نمودند: (باب ان الزوج یرث من کل ما ترکت زوجته و کذا جمیع لوراث و کذا الزوجة التي لها منه ولد. باب اینکه زوج از تمام ماترک زوجه ارث می‌برد و همچنین زوجه‌ای که دارای فرزند است.)

۱ - **خبر فضل بن عبد الملك وابن أبي يعفور:** ابن ابی یعفور از امام صادق (ع) روایت می‌کند که از امام سؤال کردم که آیا مرد از اموال همسرش ارث می‌برد یا مانند زن است که هیچ چیز نبرد؟ امام در پاسخ فرمودند: مرد وزن هردو از تمام اموال یکدیگر ارث می‌برند. (شیخ طوسی و صدوق و دیگران این روایت را بدان حمل کردند که زن دارای فرزند باشد. (۱۹) نحوه سؤال راوی



نشان می‌دهد که نزد شیعیان در آن هنگام اخباری بوده دال بر اینکه زوجه از خانه و زمین آن ارث نمی‌برد و این نزد سائل امری مفروغ عنه و مسلم بوده زیرا وی از این مورد سؤال نمی‌کند، بلکه در مورد محرومیت زوج می‌پرسد، لکن امام(ع) این پندار باطل را رد کرده و می‌گوید که زوجه ارث می‌برد و از چیزی محروم داشته نمی‌شود. (شهید الثانی، ۱۳۱۳، ۲۶۷) شیخ طوسی این روایت را که شاذ بوده و معارض با سایر اخبار باب است به جهت موافقتش با مذهب عامه حمل بر تقیه نموده و بدین ترتیب تعارض را حل کرده است. (شیخ طوسی، ۱۳۸۸، ج ۴، ۱۵) ولی به نظر ما حمل بر تقیه و ترجیح اخبار معارض به جهت مخالفت با عامه در اینجا جایز نیست، زیرا ترجیح به مخالفت با عامه که از مرجحات مضمونیه است، همان‌طور که اصولیین در مباحث تعادل و تراجیح مقرر داشته‌اند از حیث رتبه پس از ترجیح به موافقت با کتاب است. به این معنی که ابتدا دو خبر معارض را بر کتاب خدا عرضه می‌کنند، آن را که موافق کتاب است اخذ کرده و مخالف کتاب را رها می‌نمایند حال اگر هر دو موافق با ظاهر کتاب بودند، آنگاه نوبت به ترجیح به مخالفت با عامه و حمل بر تقیه می‌رسد. (الکاظمی، ۱۴۰۹، ج ۴، ۷۹۳) از این رو در این مقام با توجه به اینکه موثقه ابن ابی یعفور موافق با کتاب است، لذا مقدم داشته می‌شود. (میرزا النوری، ۱۴۰۸، ج ۱۷، ۱۹۶)

۲ - خبر ابن اذینه: ابن ابی عمیر از عمر بن اذینه نقل می‌کند که زنان در صورتی که فرزند داشته باشند از زمین ارث می‌برند. این روایت یکی از بحث‌انگیزترین روایاتی است که می‌تواند در باب میراث وجود داشته باشد زیرا از سویی موافق اطلاق آیه بوده که به زنان میراث را از تمام ماترک می‌دهد و از سویی دیگر مخالف روایاتی است که قبلاً ذکر نموده‌ایم. محقق خوانساری یکی از محققینی است که روایت فوق را فتوای ابن اذینه می‌داند. زیرا نامی از امام برده نشده و از لحاظ مدرک معلوم و مشخص نیست. البته خود ایشان از این ابرهام پاسخ می‌دهند که بعید است روایاتی که از ابن اذینه سؤال نموده‌اند، فتوای او را خواسته باشند و این رسم هم نیست که راویان فتوای یکدیگر را سؤال نمایند. بلکه سؤال مبتنی بر روایت است بنا بر این نمی‌توان از این جهت نقصی بر این روایت وارد نمود. (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۵، ۳۵۳) محقق اردبیلی عنوان می‌نماید: این روایت بیان تفصیلی روایات سابق می‌باشد که می‌توان این‌گونه بیان نمود: روایات سابق بصورت اجمال وضعیت میراث زوجه را بیان نمودند و ما می‌توانیم با این روایت آن روایات

مجمعل را تفسیر نموده و از سویی دیگر با این روایت می‌توان میان ادله جمع نمود. (اردبیلی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ۴۴۳) از آنجا که فقیهان موافق میراث روجه از زمین به مقطوعه عمر بن اذینه استدلال نمودند برخی این شبهه را مطرح می‌نمایند که این مقطوعه اصلاً روایت نیست. برخی از فقیهان موافق برای رفع این شبهه عنوان نمودند: اگر این خبر ابن اذینه نزد صدوق حجت نمی‌بود هیچگاه او این روایت را شاهد نمی‌گرفت و اگر این سخن فقط فتوای ابن اذینه بود، شیخ صدوق آن را به ابن اذینه نسبت می‌داد و به امام منتسب نمی‌کرد کما اینکه رسم شیخ صدوق در نقل فتوی از یونس و فضل و غیر هما چنین است. (میرزا النوری، ۱۴۰۸، ج ۱۷، ۱۹۶)

پاسخ به شبهه روایت نبودن مقطوعه ابن اذینه: از آنجا که فقیهان موافق میراث

روجه از زمین به مقطوعه عمر بن اذینه استدلال نمودند برخی این شبهه را مطرح مینمایند که این مقطوعه اصلاً روایت نیست. برخی از فقیهان موافق برای رفع این شبهه عنوان نمودند: ظاهر این است که این روایت، خبر بوده و این از شهادت شیخ صدوق بدست می‌آید زیرا ایشان بعد از آنکه طایفه اول از اخبار را آورده‌اند، به بیان خبر معارض پرداخته که زن وشوهر از یکدیگر ارث می‌برند و در ذیل آن فرمودند: این حکم در صورتی است که زن از شوی خویش فرزندی داشته باشد و لیکن اگر فرزندی در بین نباشد، زن از زمین چیزی به ارث نمی‌برد. تصدیق این سخن روایت ابن ابی عمیر از ابن اذینه است که زنان در صورتی که فرزند داشته باشند، از زمین ارث می‌برند و این نظریه شیخ صدوق در مورد میراث زوجه اقوی است. (همان)

نتیجه: جمع میان روایات: در صورتی که به جمع میان روایات موافق و مخالف پرداخته

شود، می‌توان این نظریه را به عنوان نقطه جمع مطرح نمود که اگر زوجه دارای فرزند باشد از زمین به او ارث داده می‌شود و با چنین تفصیلی تخصیص کمتری نیز به قرآن وارد شده و جمع میان نصوص نیز صورت می‌پذیرد. مادر میان روایات، روایتی که بصورت صریح و مشخص زن را از قیمت زمین منع کند، موردی ندیده و تنها این روایات ناظر به منع از عین زمین هستند که آن‌هم در برخی از روایات وجود ندارد. خصوصاً اینکه بر اساس اعتراف برخی از فقیهان مخالف ما، روایات تنها زن را از زمین خانهای که زن و مرد در آن زندگی می‌کردند منع نموده‌اند ولیکن بعداً فقهاء تمام زمین‌ها و باغ و ضیاع را اضافه نمودند.



پی نوشتها: ۱. مجموعه این روایات در وسایل الشیعه ج ۱۷ باب ۶ از ابواب میراث ازواج آمده است. ۲. محمد بن یعقوب، عن عدة من أصحابنا، عن سهل بن زیاد، وعن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، وعن حميد بن زياد، عن ابن سماعه جميعا، عن ابن محبوب، عن علي بن رئاب، عن زرارة، عن أبي جعفر (عليه السلام) أن المرأة لا ترث مما ترك زوجها من القرى والدور والسلاح والدواب شيئا، وترث من المال والفرش والثياب ومتاع البيت مما ترك، وتقوم النقض والابواب والجذوع والقصب فتعطي حقها منه. ورواه الشيخ باسناده عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب مثله. (حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۷ باب ۶ ح ۱) ۳. وعنهم، عن سهل، (وعن محمد، عن أحمد)، عن علي بن الحكم، عن علاء، عن محمد بن مسلم قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): ترث المرأة الطوب ولا ترث من الرباع شيئا قال: قلت: كيف ترث من الفرع ولا ترث من الرباع شيئا؟ فقال: ليس لها منه نسب ترث به وإنما هي دخيل عليهم فترث من الفرع ولا ترث من الاصل ولا يدخل عليهم داخل بسببها. ورواه الحميري في (قرب الاسناد) عن السندي بن محمد عن العلاء بن رزين، عن أبي عبد الله (عليه السلام) مثله. (همان ج ۱۷ باب ۶ ح ۲) ۴. وعنهم عن سهل، عن علي بن الحكم، عن أبان الاحمر قال: لا أعلمه إلا عن ميسر يباع الزطى، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن النساء ما لهن من الميراث؟ قال: لهن قيمة الطوب والبناء والخشب والقصب، فأما الارض والعقارات فلا ميراث لهن: منهم (فيه) قال: قلت فالبينات؟ قال: البنات لهن نصيبهن (منه) قال: قلت: كيف صار ذا ولهذه الثمن ولهذه الربع مسمى؟ قال: لان المرأة ليس لها نسب ترث به وإنما هي دخيل عليهم إنما صار هذا كذا لثلاث تزوج المرأة فيجئ زوجها أو ولدها من قوم آخرين فيزاحم قوما آخرين في عقارهم. ورواه الشيخ باسناده عن سهل بن زياد نحوه وكذا الذى قبله. ورواه الصدوق باسناده عن علي بن الحكم، عن أبان الاحمر، عن ميسر، عن أبي عبد الله (عليه السلام) نحوه إلا أنه قال: فالثياب. ورواه في (العلل) عن أبيه، عن محمد بن أبي القاسم ماجيلويه عن محمد بن عيسى، عن علي بن الحكم، عن أبان، عن ميسر مثله، وقال فيه: فالثياب. (همان ج ۱۷ باب ۶ ح ۳) ۵. عن علي بن إبراهيم، عن محمد بن عيسى، عن يونس، عن محمد بن حمران، عن زرارة، عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: النساء لا يرثن من الارض ولا من العقار شيئا. ورواه الشيخ باسناده عن يونس بن عبد الرحمن عن محمد بن حمران مثله. (همان ج ۱۷ باب ۶ ح ۴) ۶. وعنه عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن عمر بن اذينة، عن زرارة و بكير و فضيل و بريد و محمد بن مسلم ، عن أبي جعفر وأبي عبد الله عليهما السلام، (منهم من رواه عن أبي جعفر (عليه السلام)، و منهم من رواه عن أبي عبد الله (عليه السلام)، ومنهم من رواه عن أحدهما عليهما السلام: أن المرأة لا ترث من تركه زوجها من تربة دار أو أرض إلا أن يقوم الطوب والخشب قيمة فتعطي ربعها أو ثمنها. ورواه الشيخ باسناده عن علي ابن إبراهيم مثله إلا أنه قال: فتعطي ربعها أو ثمنها إن كان من قيمة الطوب والخشب. (همان ج ۱۷ باب ۶ ح ۵) ۷. عنه عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن جميل، عن زرارة، عن أبي جعفر عليه السلام، ومحمد بن مسلم ، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: لا

ترت النساء من عقار الارض شيئا. (همان . ج ۱۷ باب ۶ ح ۸) عنه عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن حماد بن عثمان، عن زرارة ومحمد بن مسلم، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: لا ترث النساء من عقار الدور شيئا ولكن يقوم البناء والطوب وتعطى ثمنها أو ربعها، قال: وإنما ذلك لئلا يتزوجن فيفسدن على أهل المواريث مواريتهم. (همان ج ۱۷ باب ۶ ح ۹) عنه عن محمد بن عيسى، عن يحيى الحلبي، عن شعيب، عن يزيد الصائغ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن النساء هل يرثن من الارض؟ فقال: لا ولكن يرثن قيمة البناء قال: قلت: إن الناس لا يرضون بذا قال: إذا ولينا فلم يرضوا ضربناهم بالسوط، فان لم يستقيموا ضربناهم بالسيف. (همان. ج ۱۷ باب ۶ ح ۸)

۱۰. عن الحسين بن محمد عن معلى بن محمد، عن الحسن بن علي، عن حماد بن عثمان، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إنما جعل للمرأة قيمة الخشب والطوب لئلا يتزوجن فيدخل عليهم - يعني أهل المواريث - من يفسد مواريتهم. (همان. ج ۱۷ باب ۶ ح ۹) وعن حميد بن زياد، عن الحسن بن محمد بن سماعه، عن عمه جعفر بن سماعه، عن مثنى، عن عبد الملك بن أعين، عن أحدهما عليهما السلام قال: ليس للنساء من الدور والعقار شيء. ورواه الشيخ باسناده عن الحسن بن محمد بن سماعه مثله. (همان. ج ۱۷ باب ۶ ح ۱۰) محمد بن أبي عبد الله، عن معاوية بن حكيم، عن علي بن الحسن ابن رباط، عن مثنى، عن يزيد الصائغ قال: سمعت أبا جعفر (عليه السلام) يقول: إن النساء لا يرثن من رباغ الارض شيئا ولكن لهن قيمة الطوب والخشب قال: فقلت له: إن الناس لا يأخذون بهذا فقال: إذا ولبناهم ضربناهم بالسوط، فان انتهوا وإلا ضربناهم بالسيف عليه. (همان. ج ۱۷ باب ۶ ح ۱۱) ۱۳.

وباسناده عن الحسن بن محمد بن سماعه، عن الحسن بن محبوب، عن علي بن رثاب، عن زرارة، عن أبي جعفر عليه السلام وخطاب أبي محمد الهمداني، عن طربال بن رجاء، عن أبي جعفر (عليه السلام): أن المرأة لا ترث مما ترك زوجها من القرى والدور والسلاح والدواب شيئا، وترث من المال والرقيق والثياب ومناج البيت مما ترك، ويقوم النقض والجذوع والقصب فتعطى حقها منه. ورواه الصدوق باسناده عن الحسن بن محبوب مثله. (همان. ج ۱۷ باب ۶ ح ۱۲) ۱۴. وعنه عن محمد بن زياد، عن محمد بن حمران، عن محمد بن مسلم وزرارة عن أبي جعفر (عليه السلام) أن النساء لا يرثن من الدور ولا من الضياع شيئا إلا أن يكون أحدث بناء فيرثن ذلك البناء. (همان. ج ۱۷ باب ۶ ح ۱۳) ۱۵. وباسناده عن محمد بن سنان: أن الرضا (عليه السلام) كتب إليه فيما كتب من جواب مسأله: علّة المرأة أنها لا ترث من العقار شيئا إلا قيمة الطوب والنقض لان العقار لا يمكن تغييره وقلبه والمرأة قد يجوز أن ينقطع ما بينها وبينه من العصمة ويجوز تغييرها وتبديلها وليس الولد والوالد كذلك لانه لا يمكن التفصي منهما والمرأة يمكن الاستبدال بها، فما يجوز أن يجي ويذهب كان ميراثه فيما يجوز تبديله وتغييره إذا أشبهه، وكان الثابت المقيم على حاله كمن كان مثله في الثبات والقيام. ورواه الصدوق باسناده عن محمد بن سنان نحوه. (همان ج ۱۷ باب ۶ ح ۱۴) ۱۶. وباسناده عن علي بن الحسن بن فضال، عن أحمد بن الحسن عن أبيه، عن عبد الله بن المغيرة، عن موسى بن بكر الواسطي قال: قلت لزرارة: إن بكيرا حدثني عن أبي جعفر (عليه السلام): أن النساء لا ترث امرأة مما



ترك زوجها من تربة دار ولا أرض إلا أن يقوم البناء والجذوع والخشب فتعطى نصيبها من قيمة البناء، فأما التربة فلا تعطى شيئاً من الأرض ولا تربة دار، قال زرارة: هذا لا شك فيه. (همان، ج ۱۷ باب ۶ ح ۱۵)

۱۷. علی بن الحسین باسناده عن الحسن بن محبوب، عن الاحول، عن أبی عبد الله (علیه السلام) قال: سمعته يقول: لا يرثن النساء من العقار شيئاً ولهن قيمة البناء والشجر والنخل. - یعنی: (من البناء) الدور وإنما عنی من النساء: الزوجة. (همان، ج ۱۷ باب ۶ ح ۱۶) ۱۸. محمد بن الحسن الصفار فی (بصائر الدرجات) عن محمد بن الحسین عن جعفر بن بشیر، (عن الحسین بن أبی مخلد)، عن عبد الملك قال: دعا أبو جعفر (علیه السلام) بكتاب علی علیه السلام فجاء به جعفر مثل فخذ الرجل مطویاً فإذا فيه: أن النساء لیس لهن من عقار الرجل (إذا توفی عنهن) شیء، فقال أبو جعفر علیه السلام: هذا والله خط علی (علیه السلام) بيده وإملاء رسول الله صلى الله عليه وآله. أقول: وبأنتی ما يدل علی ذلك، وبأنتی ما ظاهره المنافاة ونبین وجهه. (همان، ج ۱۷ باب ۶ ح ۱۷) ۱۹. محمد بن الحسن باسناده عن الحسین بن سعید، عن فضالة، عن أبان عن الفضل بن عبد الملك (وابن أبی يعفور)، عن أبی عبد الله (علیه السلام) قال: سألته عن الرجل هل يرث من دار امرأته أو أرضها من التربة شيئاً؟ أو يكون فی ذلك بمنزلة المرأة فلا يرث من ذلك شيئاً؟ فقال: يرثها وترثه من كل شیء ترك وتركت، وحمله أيضاً هو والصدوق وغيرهما علی ما إذا كان للمرأة ولد لما يأتي. حر عاملی همان باب ۷ از ابواب میراث ازواج حدیث ۱. ۲۰. وباسناده عن محمد بن أحمد بن یحیی، عن یعقوب بن یزید، عن ابن أبی عمیر، عن ابن اذينة فی النساء إذا كان لهن ولد اعطین من الرباع. ورواه الصدوق باسناده عن محمد بن أبی عمیر. حر عاملی همان، باب ۷ از ابواب میراث ازواج - ح ۲

فهرست منابع:

۱. ابن ادریس، حلی، (۱۴۱۰)، السراير، قم جامعه المدرسين .
۲. ابن فهد حلی، احمد، (۱۴۰۷)، المهذب البارع، لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
۳. الارديبيلي، محقق، (۱۴۱۴)، مجمع الفائدة و البرهان، طبع الجامعة المدرسين.
۴. الارديبيلي، محمد بن علی، (۱۹۹۸)، جامع الرواة، بيروت، دارالأضواء.
۵. الخزاز، حجة، (۱۴۰۵)، جامع المدا، ك، قم منش اسماء.
۷. الشيخ الطوسي، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۳۸۸)، المبسوط، نشر مكتبة الرضويه تهران.
۸. _____، (۱۳۱۳)، رساله فی میراث الزوجه، نشر قم.
۹. الصافي گلپایگانی، لطف الله، (۱۴۰۵)، مجموعه الرسائل، قم، نشر دار القرآن الكريم.
۱۰. علامه حلی، یوسف بن مطهر، (۱۴۱۲)، مختلف الشیعه، قم، نشر جامعه المدرسين.

۱۱. الکاظمی، محمدعلی، (۱۴۰۹)، **تقریرات النایینی**، قم، جامعه المدرسین.
۱۲. میرزای النوری، حسین، (۱۴۰۸)، **مستدرک الوسایل**، ج ۱۷ قم طبع مؤسسه اهل البیت.
۱۳. النعمانی، ابوحنیفه، (۱۳۸۳)، **دعایم الاسلام**، بیروت طبع دارالمعارف.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

